

بررسی تطبیقی فلسفه احکام تحریمی در یهودیت و شریعت اسلام از منظر آیات و روایات

نرجس جعفری^۱

چکیده:

اسلام به عنوان دین خاتم، دارای وجوه تمایز و شاخصه‌هایی برتر نسبت به سایر شریعت‌های الهی است که باعث جاودانگی آن در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها شده است. یکی از این مؤلفه‌ها، فلسفه و علت تشریع احکام حرمت است؛ به گونه‌ای که تمام این احکام بر مبنای مصلحت و دوری از مفسد بنا شده‌اند و دایره مدار آن تشریع گشته‌اند، اما این موضوع در مورد امت‌های پیش از اسلام اندکی متفاوت است. بر مبنای آیات و روایات، برخی از احکام تحریمی در ادیان پیشین و به صورت خاص بر بنی اسرائیل وجود داشته که لزوماً بر اساس مصالح و مفسد ذاتی تشریع نشده است؛ بلکه به سبب ظلم و بغی و گناهان افراد، احکامی مبتنی بر عقوبت و کیفر این اعمال صادر گشته که موجب تحریم برخی از مواردی که قبلاً حلال بوده، شده است و ثانیاً امثال این احکام جدید، توأم با عسر و تکلف بوده است. در این نوشتار، با بهره‌گیری از آیات و روایات، و با استفاده از روش تفسیر تحلیلی متن محور، به بررسی و مقایسه فلسفه و علت احکام در اسلام و امم سالفه خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

فلسفه احکام، احکام تحریمی، اسلام، یهودیت، شریعت اسلام

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهراء

مقدمه

خداوند حکیم متناسب با سطح جوامع بشری در اعصار گوناگون، ادیانی را برای هدایت مردم فرو فرستاد تا از آن تبعیت نموده و مسیر خویش را به سمت حیات و سعادت جاودانه ادامه دهند. هر چند همه انبیاء و ادیان، هدف و مسیر مشخصی را دنبال می‌کردند، اما در این میان، نوع احکام حرمت وضع شده در هر دوره‌ای و برای هر قومی متفاوت بوده است.

در یک نگاه کلی، فلسفه احکام و علت تشریع اوامر، بر پایه مصلحت و اجتناب از مفاسد بنا نهاده شده است تا بر اساس سنت هدایت محور و حکیمانه الهی، همه انواع بشر به سعادت و کمال دست یابند. در این میان، اگر نگاهی موشکافانه به علل و عوامل احکام تحریمی در اسلام و امم سالفه صورت گیرد، به مواردی از احکام در امم سالفه و به صورت ویژه بر امت بنی اسرائیل برخوایم خورد که در آن، سبب تشریع احکام با اموری دیگر عجین گشته‌اند و علل متفاوتی دارند. این اختلاف و تفاوت، تمایزی مهم و اثر گذار را بین علل الشرایع دین اسلام و سایر ادیان امم سالفه پدید می‌آورد. آیات و روایاتی که دربردارنده‌ی احکام دینی در بنی اسرائیل می‌باشند، حکایتگر از آن است که برخی امور و اعمال که در دین اسلام مباح یا حلال هستند، بر ایشان حرام بوده است. قرآن کریم از این احکام شاق و محنت آور با عنوان «إِصْر» یاد نموده و به صراحت از وجود چنین احکامی در گذشته خبر می‌دهد که البته در اسلام رفع حکم شد: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا»! علت و فلسفه تشریع این احکام تحریمی، در تفاسیر و روایات متعدد بیان گشته و با تعبیر مختلفی تشریح گردیده است.

در مورد پیشینه پژوهش، تاکنون مقالات و نوشتارهای متعددی در خصوص فلسفه احکام اسلامی و دایره مدار بودن تمامی اوامر الهی منطبق بر مصالح و مفاسد نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به مقالات «مصلحت در فقه»^۱، «تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی»^۲ و کتاب «ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن»^۳ اشاره کرد که صرفاً به «فلسفه و علل احکام اسلامی» و جزئیات آن پرداخته‌اند و تاکنون تألیف مستقلی پیرامون علل و عوامل احکام خصوصاً تحریمی در سایر ادیان و امم پیش از اسلام و مقایسه آن با فلسفه و علل احکام تحریمی اسلامی صورت پذیرفته است.

وجه نوآوری مقاله پیش رو علاوه بر احصاء و دسته‌بندی آیات و روایات پیرامون فلسفه احکام تحریمی در امم سالفه، رویکردی مقایسه‌محور و ارائه تحلیلی دقیق مبتنی بر آیات مرتبط با عوامل مؤثر بر پیدایش احکامی خاص برای قوم یهود و بنی اسرائیل می‌باشد. به باور نویسنده، شارع مقدس و حکیم، تمامی احکام از جمله احکام تحریمی را مطابق با مصالح و مفاسد تشریع فرموده است؛ اما در ادیان گذشته، گاه به سبب گناه یا بغی یا اموری دیگر، احکامی شرعی «بر مبنای عقوبت و کیفر اعمال» صادر گشته که منجر به تحریم اموری که در اسلام حلال شمرده می‌شوند شده است. این احکام سخت‌گیرانه پس از ظهور اسلام و به یمن نبوت رسول خدا(ص) رفع گردید و حلال گشت و دیگر حکمی شرعی بر مبنای عقوبت اعمال افراد وضع نشد؛ چرا که دین اسلام به دور از افراط و تفریط و سهل است^۴.

در این نوشتار ابتدا به بررسی فلسفه احکام (و به طور خاص احکام تحریمی) در اسلام خواهیم پرداخت و در ادامه، به وسیله آیات و روایات مرتبط با فلسفه احکام امت‌های پیش از اسلام و خصوصاً یهود، احکام

۱- عابدی، احمد؛ قد و نظر - پاییز ۱۳۷۶ - شماره ۱۲

۲- علی، وست، ابوالقاسم؛ حق اسلامی - پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۶

۳- ایازی، سیدمحمدعلی؛ انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۴- امیرالمؤمنین(ع): «... فَمَنْ أَحَبَّ دِينَكُمْ إِلَى اللَّهِ الْخَفِيفَةُ السَّهْلَةُ»

۵- ابن بابویه ۱۴۱۳ ق: ۱۲، ۱

تحریمی وضع شده بر آنها را بررسی نموده و با جمع آوری مؤلفه‌های اثرگذار بر تشریع احکامی مشقّت آمیز برای آنها، به مقایسه و تحلیل چگونگی صدور و تشریع این احکام می‌پردازیم.

۱. فلسفه احکام تحریمی در دین اسلام

اسلام به عنوان دین خاتم، حاوی دستورالعمل‌ها و احکامی است که تا ابد پا برجا خواهد بود و بعد از تشریع آنها، نسخ نخواهد شد. در حدیثی صحیح از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمودند: «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ...»^۱. عنصر جاودانگی در احکام اسلامی که مورد اجماع علمای شیعه می‌باشد، توسط ملاک‌ها و مؤلفه‌هایی استوار گردیده است که از آنها با عنوان «تبعیّت احکام از مصالح و مفاسد» تعبیر می‌شود.

با توجه به مفاهیم موجود در نصوص دینی، مشاهده می‌شود فلسفه احکام تحریمی در دین اسلام با مفهوم «مصلحت» پیوندی ناگسستنی دارد. مصلحت از ماده (صَلَح) به معنای خیر و منفعت^۲، کارهای خیر و سودمند بستانی^۳ و صلاح^۴ می‌باشد. در مقابل، واژه مفسده (فَسَد) قرار دارد و این دو نقیض یکدیگرند^۵. مفسده به معنای ریشه فساد یا علت فساد و خروج چیزی از حالت اعتدال و طبیعی آن می‌باشد^۶.

در اصطلاح فقهی، مصلحت در فقه اهل سنت مورد بررسی‌های جدی قرار گرفته است. علت این امر سند انگاری و اعتباری است که برای مصلحت به عنوان روشی در استنباط حکم شرع مورد نظر قرار داده‌اند. در میان امامیه، مصلحت منبعی مستقل در عرض منابع اربعه به حساب نمی‌آید؛ لذا پرداخت علمی به چیستی و حدود آن از مسائلی است که باید ذیل مفاهیم هم سو مانند منفعت، عقل و اضطرار مورد تحقیق قرار گیرد.

^۱ اکبری ۱۴۰۷: ۵۸۱ ق.

^۲ طریحی، ۳۸۹: ۳۷۵ ط.

^۳ ۱۳۷۵ ش: ۸۳۰

^۴ ابن منظور ۱۴۱۴: ۵۱۷: ۲ ق.

^۵ مصطفوی، ۳۶۰ ط: ۲۶۵: ۶ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۵: ۳ ق: ۱۴۰۹: ۱۱۷: ۳ ق.

^۶ بستانی، ۳۷۵ ط: ۸۴۷

^۷ راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۶۳۶: ۱ ق.

به طور کلی مصلحت عبارت است از حفظ منافع دنیوی و اخروی به طور پایدار با در نظر گرفتن شرایط اجتماع مسلمین و نظام انسانی. فقیه مستنبط حکم شارع را به فراخور موارد مذکور در تعریف فوق ارائه می کند. اما آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته، مفهوم مصلحت را از منظر علم کلام مورد توجه قرار داده است. مفهوم مصلحت در این نظرگاه، به این معناست که احکام اسلامی از ملاک‌ها و اصولی تبعیت می کنند که علاوه بر در نظر گرفتن مصالح زندگی این جهانی و دنیوی، تضمین کننده سعادت اخروی افراد خواهد بود. خداوند متعال به عنوان حکیمی مدبر، هیچ مخلوق یا امری را بیهوده نیافریده است و همگی تابع حکمت و اغراض مشخصی هستند. در قرآن کریم، آیات متعددی بر این مطلب تاکید دارند. برای نمونه، در آیه ۱۹۱ سوره مبارکه آل عمران، به صراحت بر هدفمندی تمام اشیاء تأکید دارد: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱. از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان در خصوص فلسفه احکام فرمودند: «إِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ شَيْءٌ إِلَّا لِشَيْءٍ»^۲؛ هیچ چیزی از جانب شارع جعل نشده است مگر بر اساس علت و هدفی.

رعایت مصالح و مفاسد در احکام اسلامی از جمله مواردی است که اکثر فقها و علمای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و در متون فقهی و کلامی به وفور به آن پرداخته اند. خواجه نصیرالدین طوسی رعایت مصلحت و عدم امر به قبائح را از صفات باری تعالی می داند.^۳ افعال خداوند همگی دارای اغراض و مقاصدی مشخص است و فعل بدون هدف در ذات باری تعالی راه ندارد^۴ و این موضوع بر همگان در علم کلام به اثبات رسیده است.^۵ خداوند متعال افعال و اوامر را براساس غرض و حکمت و فایده و مصلحتی که متوجه مکلفان است و نفعش به مخلوق می رسد، انجام می دهد.^۶ علامه مجلسی نیز معتقد است که خداوند هیچ حکمی را بدون

۱- همانجا که خدا را در لحال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر مخلوق خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند (وی گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای. منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار.

۲ مجلسی ۱۴۰۳: ۱۱۰، ۶.

۳ خواجه نصیرالدین طوسی ۱۴۰۷: ۱۹۷، ۱۰.

۴ ابن میثم ۱۴۰۷: ۱۱۰، ۱۰.

۵ محمد بن مکی عاملی ۱۴۰: ۳۳، ۱.

۶ حلی، ۹۸۲، ۸۹.

ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»، آیه ۶ سوره مبارکه مائده: «ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» و آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْاِيسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»، معتقدند منظور از آیات این است که هرگاه در اثر عمل به احکام و الزامات شرعی، مکلف در عسر و حرج واقع شود، این احکام و الزامات از عهده او برداشته می‌شود.^۱ آیات اشاره شده دلالتی واضح بر این امر دارند که خداوند سبحان در دین مقدس اسلام حکم حرجی تشریع نکرده است و هر حکمی که حرج و استیصال و مشقت لازم آید به دستور این آیات شریفه، این حکم منتفی و از صفحه تشریع مرفوع است.^۲ علاوه بر این، روایات و سیره معصومین(ع) نیز دلیلی بر قاعده عدم تشریع و تکلیف در عسر و حرج توسط فقیهان است. برای نمونه، شخصی از امام صادق(ع) می‌پرسد: ناختم در اثر افتادن کنده شده و بر روی آن جبیره قرار داده‌ام. برای وضو تکلیفم چیست؟ حضرت می‌فرماید: حکم این مسأله و امثال آن از کتاب خدا فهمیده می‌شود که در دین حرجی نهاده است؛ بر آن جبیره مسح کن.^۳

وضع چنین احکامی، از منظر امتحان و ابتلاء و نعمت نیز قابل بررسی است؛ به این معنا که تحریم، یک تکلیف از سوی خداوند قلمداد می‌شود و امتثال آن موجب رضا و پاداش الهی خواهد بود. بنابراین می‌توان آن را نعمت دانست.^۴ علاوه بر این در روایات، تسلیم بودن و اطاعت کردن هر گونه امر و حکمی از سوی خداوند متعال، به عنوان بالاترین فلسفه احکام شرعی یاد می‌شود.^۵

نتیجه گیری

با توجه آنچه در پژوهش حاضر بیان گشت، روشن شد که فلسفه و علت احکام حرمت در اسلام بر مبنای مصالح و مفاسدی است که دربردارنده سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست. اما در مقام مقایسه با احکام ام

^۱ نک: محقق داماد، ۱۴۰۷: ۱۴۰، ۲: ۸۶۸۴.

^۲ موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۶۶، ۱: ۳۶۶.

^۳ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۶۴۶، ۱: ۶۴۶.

^۴ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۱۴، ۳: ۲۱۴.

^۵ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۸، ۷۸: ۳۴۸.

گذشته، و با استناد به آیات و روایات، صراحتاً مواردی مشاهده می‌شود که علت تشریع حکم تحریمی بر مبنای عقوبت و کیفر گناهان و اعمال انسان‌ها بنیان نهاده شده و حکم تشریع شده همراه با سختی و «إصر» برای مکلفین بوده است. به عبارت دیگر، احکامی که بر بنی اسرائیل تکلیف شده لزوماً به خاطر مصلحت و مفسده ذاتی نبوده و علل و اسباب دیگری نیز داشته است؛ مثل ظلم، مجازات و تنبیه، اختلاف و از این رو، دین اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی دارای وجه تمایز و برتری نسبت سایر شریعت‌های الهی بوده و در این دین مقدس، احکام حرمتی که علت تشریع آن مستقیماً بر اساس عقوبت و همراه با تکلف باشد وجود ندارد. بر همین اساس، در اصول و روش‌های استنباط احکام، فقهاء همواره بر عدم وجود حکم و تکلیفی که باعث عسر و حرج بر مکلف شود تأکید دارند. علاوه بر این، آن دسته از احکامی که برای پیشینیان مایه سختی و عقوبت بوده نیز رفع گردیده است.

منابع

- [۱] قرآن کریم (۱۳۷۳ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن کریم.
- [۲] آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، کفایه الاصول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- [۳] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس.
- [۴] ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین حوزه علمیه.
- [۵] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- [۶] بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- [۷] بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش)؛ فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی.
- [۸] بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۹] بلاغی، محمدجواد (بی تا)، الهدی الی دین المصطفی، قم، دارالکتب الاسلامیه
- [۱۰] حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- [۱۱] حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت، دارالکتب اللبنانی.
- [۱۲] حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)؛ تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- [۱۳] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی غریب القرآن، دمشق- بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
- [۱۴] زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۱۵] سید قطب، ابن ابراهیم شاذانی (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت-قاهره، دار الشروق.
- [۱۶] شهید ثانی، حسن بن زین الدین (بی تا)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، چاپ نهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین حوزه علمیه.

- [۱۷] طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- [۱۸] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- [۱۹] طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- [۲۰] طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۰۷ق)، *تجريد الاعتقاد*، به تحقیق حسینی جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۲۱] طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۲] عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق)، *القواعد و الفوائد*، قم، نشر کتابفروشی مفید.
- [۲۳] فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- [۲۴] فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
- [۲۵] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۶] مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- [۲۷] محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقه*، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- [۲۸] مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۲۹] مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۰] موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق)، *قواعد فقهیه*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عروج.
- [۳۱] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲ش)، *تهذیب الاصول (تقریرات جعفر سبحانی)*، قم، دارالفکر.
- [۳۲] نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش)، *فوائد الاصول*، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.